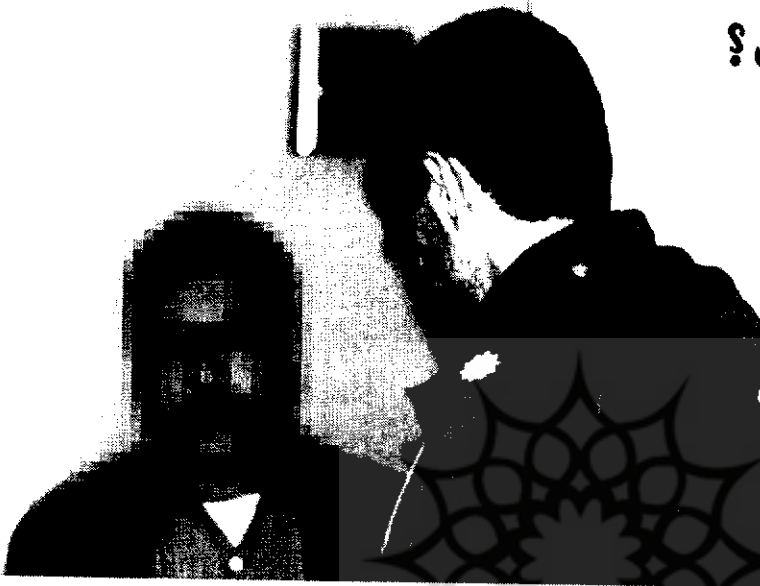


ضابطه کیست؟ و نیروهای مقاومت بسیج در چه مواردی ضابطه هستند؟



جواد طهماسبی

(قاضی دادگستری و مدرس دانشگاه)

مقدمه:

یکی از مسائلی که همواره بین قضات دادگستری و نیروهای مقاومت بسیج سپاه پاسداران مورد بحث و اختلاف نظر است، این مسئله است که این نیروها در چه مواردی ضابطه دادگستری محسوب می‌شوند؟ آیا صلاحیت انجام تحقیق مقدماتی پرونده را دارند یا خیر؟ و در چه مواردی می‌توانند همانند دیگر ضابطین دادگستری اقدام نمایند؟ در نوشته حاضر برآنیم که ضمن تعریفی از ضابط و بیان مصادیق آن، به پرسشهای فوق جواب دهیم.

«بخش اول»

تعریف ضابط و انواع آن.

تعریف:

ضابط از نظر لغوی به معنی نگاهدارنده، حفظ‌کننده، حاکم، والی و آنکه شهری را از جانب سلطان اداره کند و نیز به معنی ممیز و

مفتش و قوی و نیرومند می‌باشد.

ضابط دادگستری دارای مفهوم گسترده‌ای است که حتی طبق مقررات، شامل تعدادی از قضات دادگستری؛ یعنی دادستان، دادیار و بازپرس نیز می‌شود. در برداشت از این کلمه اختلاف زیادی مشاهده می‌شود.

ماده (۱۵) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، به تعریف ضابطین عدلیه پرداخته و بیان می‌کند که «ضابطین دادگستری مأمورانی هستند تحت که نظارت و تعلیمات مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضای به موجب قانون اقدام می‌نمایند و عبارتند از:

- ۱ - نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران،
- ۲ - رؤسا و معاونین زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان،
- ۳ - مأمورین نیروی

مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که به موجب قوانین خاص و در محدوده وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند، ۴- سایر نیروهای مسلح در مواردی که شورای عالی امنیت ملی تمام یا برخی از وظایف ضابط بودن نیروی انتظامی را به آنان محول کند، ۵ - مقامات و مأمورینی که به موجب قوانین خاصی در حدود وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند.»

انواع ضابطین:

به اعتبار اینکه ضابطین دادگستری صلاحیت انجام وظیفه در رابطه با کلیه جرایم یا صرفاً حق اقدام در مورد جرایم خاصی را دارند، به ضابط عام و خاص قابل تقسیم می‌باشند:

الف) ضابط عام:

ضابطین عام، افرادی هستند که صلاحیت اقدام درباره کلیه جرمها را دارند، مگر آنچه را

وظایف دیگری هستند، فاقد وجاهت قانونی است. نباید گفته شود که از اطلاق بند یک ماده (۱۵) آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب، خلاف این استنباط می‌شود. یعنی قابل به این شد که کلیه نیروهای انتظامی بدون استثنا در صورت محول شدن وظایف ضابطین، موظف به انجام آن می‌باشند؛ زیرا تقسیم کار به عمل آمده و محول کردن این وظیفه به واحدهای ویژه‌ای مثل پاسگاههای انتظامی و مدیریت کشف جرایم نیز براساس قوانین می‌باشد که نحوه اعمال و اجرای وظیفه محوله به نیروی انتظامی را بیان می‌کند.

۲- سایر نیروهای مسلح:

طبق بند ۴ ماده (۱۵) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، نیروهای مسلح در مواردی که شورای عالی امنیت ملی تمام یا برخی از وظایف ضابط بودن نیروهای انتظامی را به آنان محول کند، ضابط دادگستری محسوب می‌شوند و باید طبق صدر ماده فوق، تحت نظارت مقام قضایی در کشف جرم و بازجویی مقدماتی و حفظ آثار و دلایل جرم و جلوگیری از فرار و مخفی شدن متهم و ابلاغ اوراق و اجرای تصمیمات قضایی به موجب قانون اقدام نمایند.

ضابط بودن نیروهای مسلح در شرایط ویژه‌ای می‌باشد که نیروی انتظامی توان مقابله با مجرمین و انجام وظایف فوق را نداشته باشد و احراز این شرایط و محول نمودن این وظیفه به نیروهای مسلح نظامی منوط به اتخاذ تصمیم شورای عالی امنیت ملی است که حق مداخله دارند، زیرا اصل بر عدم مداخله آنهاست.

پرسنل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و بسیج مقاومت نیز جز نیروهای مسلح محسوب می‌گردند و براساس تصمیم شورای

ریاست و نظارت رئیس همان حوزه انجام وظیفه نموده و مکلف به اجرای دستورات مقام قضایی می‌باشد.»

ملاحظه می‌گردد که ماده مزبور صرف نظر از ابهامات موجود، همه پرسنل نیروی انتظامی را ضابط دادگستری محسوب می‌داند و از عالیترین مقامات نیروی انتظامی تا سربازان وظیفه مکلف به انجام دستورات قضایی هستند. قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری نیز، نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران



پرسنل سپاه پاسداران

انقلاب اسلامی و بسیج

مقاومت نیز جز نیروهای

مسلح محسوب می‌گردند و

براساس تصمیم شورای

عالی امنیت ملی می‌توانند

عهده دار وظایف ضابط بودن

باشند



را به طور کلی ضابط دادگستری محسوب نموده است. بدیهی است نیروی انتظامی با تقسیم کار عهده‌دار این وظیفه می‌باشد؛ یعنی وظایف ضابط بودن صرفاً توسط آن دسته از مأمورین و یگانهایی انجام می‌شود که حسب مقررات نیروی انتظامی عهده‌دار آن وظیفه هستند. لذا محول کردن این وظیفه به مأمورین و یگانهای غیر مربوط که دارای

که قانون منع کرده است. به عکس، ضابطین خاص افرادی هستند که صلاحیت اقدام درباره هیچ جرمی را ندارند مگر آنچه که قانون اجازه داده است. ضابطین احصاشده بندهای یک و سه و چهار ماده (۱۵) قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب در امور کیفری، ضابط عام محسوب می‌شوند که عبارتند از:

۱- نیروی انتظامی جمهوری اسلامی ایران؛ در این خصوص طبق ماده (۱۹) قانون آیین نامه دادرسی کیفری مصوب ۱۳۹۰، از نیروهای انتظامی فقط کمیسرهای پلیس و قائم مقام آنان و صاحبان مناصب بریگاد ژاندارم را ضابط می‌دانست. در زمان حاکمیت این قانون، اختلاف نظراتی وجود داشت. بعضی از قضات و حقوقدانان معتقد بودند که کلیه پرسنل شهربانی سابق، ضابط دادگستری محسوب می‌شوند و دارای تکالیف و اختیارات ضابطین می‌باشند و عده‌ای دیگر اعتقاد داشتند که طبق بند سوم از ماده (۱۹) قانون مزبور، فقط کمیسرهای پلیس و معاونین وی که همانا رؤسای کلانتری‌ها و معاونین مربوط می‌باشند جز ضابطین دادگستری محسوبند، که اداره حقوقی نیز به شرح نظریه شماره ۵۳/۳۹۷/۱۷۰ اعلام داشته: «به صراحت مواد (۱۹ تا ۲۶) قانون آیین دادرسی کیفری، در شهربانی فقط کمیسر پلیس یا قائم مقام او جز ضابطین دادگستری محسوب می‌شود. رئیس شهربانی جز ضابطین دادگستری نیست مگر این که او شخصاً متصدی امور کمیسری (کلانتری) باشد». ماده (۱۳) قانون تشکیل دادگاههای عمومی و انقلاب مصوب تیرماه ۱۳۷۳، به این سخنها پایان داد و مقرر می‌دارد که «نیروی انتظامی هر حوزه قضایی اعم از بخش یا شهرستان در مقام ضابط دادگستری تحت

عالی امنیت ملی می‌توانند عهده دار وظایف ضابط بودن باشند؛ یعنی علاوه بر وظیفه ای که به عنوان ضابط در موارد خاص حسب مقررات دیگر به آنها محول گردیده از جمله قانون حمایت قضایی بسیج، طبق بند "۴" ماده(۱۵) قانون آیین دادرسی کیفری، طبق نظر شورای عالی امنیت ملی می‌توانند عهده دار این وظیفه باشند.

ب) ضابط خاص:

مأمورین یا پرسنلی را که به موجب قوانین ویژه از لحاظ انجام وظایف خاص و یا در زمان معین ضابط دادگستری به شمار می‌آیند، ضابط خاص می‌گویند. این موضوع در قانون آیین دادرسی دادگاههای عمومی و انقلاب مدنظر قانونگذار قرار گرفته و در ماده(۱۵) که در مقام احصای ضابطین دادگستری است، مقرر داشته: «مقامات و مأمورینی که به موجب قوانین خاص در حد وظایف محوله ضابط دادگستری محسوب می‌شوند.»

در مورد این ضابطین، اصل بر عدم مداخله آنها در وظایف مربوط به ضابطین است مگر آنچه که به موجب قانون به آنها اجازه داده است؛ مثل مأمورین محیط زیست که طبق قانون صید و شکار و فقط در راستای کشف و تعقیب جرایم موضوع این قانون، ضابط دادگستری محسوبند. و یا فرمانده هواپیما که فقط نسبت به جرایمی که در داخل هواپیمای در حال پرواز و آن نیز تا زمان مداخله مأمورین صلاحیت دار، وظیفه ضابط دادگستری را به عهده داشته (و دارای اختیارات ضابطین نیز می‌باشند).

ضابطین خاص دادگستری عبارتند از: مأمورین جنگلبانی، مأموران شکاربانی (محیط زیست)، مأموران سازمان برق ایران، مأموران وصول عایدات دولت و کشف قاچاق، پلیس انتظامی راه آهن، فرمانده هواپیما و



نیروی انتظامی هر موزه

قضای اعم از بخش یا

شهرستان در مقام ضابط

دادگستری تحت ریاست و

نظارت رئیس همان موزه

انجام وظیفه نموده و مکلف

به اجرای دستورات مقام

قضایی می‌باشد



مأموران شهرداری که حدود وظایف و اختیارات هر کدام در قوانین مربوط تعیین شده است. رؤسا و معاونین زندان نسبت به امور مربوط به زندانیان و مأمورین نیروی مقاومت بسیج سپاه پاسداران انقلاب اسلامی که طبق بندهای "۲ و ۳" ماده(۱۵) آیین دادرسی در امور کیفری، در موارد خاصی ضابط محسوب شده‌اند.

از آنجایی که مشاهده می‌شود در بعضی موارد بین حدود اختیارات نیروهای مقاومت بسیج و نیروی انتظامی به عنوان ضابط عام اختلاف نظراتی وجود دارد، در بخش بعدی حدود اختیارات نیروی بسیج رابه عنوان ضابط، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

«بخش دوم»

نیروهای مقاومت بسیج و سپاه

پاسداران در چه مواردی ضابط می‌باشند؟

ابتدا این سؤال به ذهن متبادر می‌شود که نیروهای مقاومت، ضابط عام هستند یا خاص؟ نظر به اینکه ضابطین خاص همان طوری که گفته شد، در خصوص جرایم خاص حق اقدام دارند، مثل مأمورین

جنگلبانی که فقط در جرایم علیه جنگلها و مراتع می‌توانند به عنوان ضابط ایفای نقش نمایند یا مأموران محیط زیست که فقط در جرایم مربوط به صید و شکار و به همین ترتیب سایر ضابطین خاص که در مورد سایر جرایم حق مداخله ندارند و از طرفی، نیروهای مقاومت گرچه در شرایطی خاص حق مداخله دارند، اما در کلیه جرایم مشهود می‌توانند وظیفه ضابط بودن را انجام دهند که تمام جرایم به طور کلی ممکن است به صورت مشهود اتفاق بیفتد. لذا نیروهای مقاومت در صورت وجود شرایط پیش بینی شده که در ذیل توضیح داده خواهد شد، در مورد تمام جرایم اگر به صورت مشهود باشند می‌توانند انجام وظیفه نمایند، که از این حیث ضابط عام محسوب می‌شوند، زیرا حوزه عملکرد و صلاحیت آنها به جرایم ویژه ای محدود نمی‌شود و حتی در خصوص جرایمی که ضابط خاص دارند مثل جرایم مربوط به جنگلبانی و محیط زیست، نیروهای مقاومت بسیج در صورت وجود شرایط، حق مداخله دارند و از این حیث صلاحیت آنها از نیروی انتظامی نیز گسترده تر است.

نظر به اینکه وظیفه نیروهای مقاومت بسیج و سایر نیروهای سپاه پاسداران به عنوان ضابط دادگستری در اساسنامه سپاه پاسداران و قانون حمایت قضائی بسیج پیش بینی شده است، لذا به طور جداگانه آنها را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۱- اساسنامه سپاه پاسداران:

ماده یک اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مصوب ۱۵ شهریور سال ۱۳۶۱، مقرر می‌دارد: «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی نهادی است تحت فرماندهی عالی مقام رهبری که هدف آن نگهداری از انقلاب اسلامی ایران و دستاوردهای آن و کوشش

خرابکاری، اقدام برای براندازی نظام جمهوری اسلامی و اقدام به نفی حاکمیت جمهوری اسلامی و دیگر مواردی که در مواد (۲، ۳ و ۵) اساسنامه پیش‌بینی شده‌است، دقیقاً از مصادیق جرایمی هستند که در فصل اول کتاب پنجم قانون مجازات اسلامی تعزیرات؛ یعنی مواد (۴۹۸) الی (۵۱۲) آن قانون به‌عنوان جرم پیش‌بینی شده‌اند و رسیدگی به این جرایم از وظایف قوه قضائیه می‌باشد. ملاحظه می‌گردد که طبق تبصره ذیل ماده (۵) اساسنامه، نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در زمینه جرایم فوق به‌عنوان ضابط قوه قضائیه عمل می‌کنند.

نظریه اداره حقوقی از این حیث که به این موضوع اشاره نکرده است و صراحتاً اعلام نموده که استفاده از بسیج به‌عنوان ضابط قوه قضائیه خالی از اشکال نمی‌باشد، جای تأمل دارد؛ زیرا همان‌طور که بیان شد، مواد (۲ و ۳ و ۵) اساسنامه، اقدام به مبارزه قانونی علیه جرایم خاصی را از وظایف سپاه پاسداران دانسته که این جرایم در قانون مجازات اسلامی پیش‌بینی شده‌اند و تبصره نیز صراحتاً به ضابط بودن نیروهای سپاه پاسداران در این مورد اشاره کرده‌است.

از طرفی، حسب ماده (۴) اساسنامه و در نظر گرفتن مفاد تبصره، نیروهای سپاه پاسداران جهت خلع سلاح به‌عنوان ضابط قوه قضائیه اقدام می‌نمایند. می‌دانیم که حمل و نگهداری سلاح غیرمجاز طبق قانون تشدید مجازات مرتکبین قاچاق، جرم می‌باشد و رسیدگی به این جرایم و به تبع آن خلع سلاح‌های غیرمجاز از وظایف قوه قضائیه می‌باشد که نیروهای سپاه پاسداران در این مورد نیز به‌عنوان ضابط قوه قضائیه عمل می‌نمایند. می‌توان برای توجیه نظریه اداره حقوقی گفت که وظایف پیش‌بینی شده در مواد

اسلامی ایران می‌باشند».

ماده (۳): «مبارزه قانونی با عواملی که با توسل به قوه قهریه در صدد نفی حاکمیت قوانین جمهوری اسلامی ایران باشند».

ماده (۴): «اقدام همانند دیگر نیروهای انتظامی در جهت خلع سلاح کسانی که بدون مجوز قانونی اسلحه و مهمات حمل و نگهداری می‌نمایند».

ماده (۵): «همکاری با نیروهای انتظامی در مواقع لزوم، در جهت برقراری نظم و امنیت و حاکمیت قانون در کشور». تبصره - «سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در زمینه مأموریت‌های مذکور در مواد فوق، به‌عنوان ضابط قوه قضائیه عمل می‌کند».



سپاه پاسداران انقلاب

اسلامی نهادی است تحت

فرماندهی عالی مقام رهبری که

هدف آن نگهداری از انقلاب

اسلامی ایران و دستاوردهای

آن و کوشش مستمر در راه

تمقق آرمانهای الهی و گسترش

حاکمیت قانون فدا طبق

قوانین جمهوری اسلامی ایران

و تقویت کامل بنیه دفاعی

جمهوری اسلامی از طریق

همکاری با سایر نیروهای مسلح

و آموزش نظامی و سازماندهی

نیروهای مردمی می‌باشد



مستمر در راه تحقق آرمانهای الهی و گسترش حاکمیت قانون خدا طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران و تقویت کامل بنیه دفاعی جمهوری اسلامی از طریق همکاری با سایر نیروهای مسلح و آموزش نظامی و سازماندهی نیروهای مردمی می‌باشد».

از این ماده استنباط نمی‌شود که نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی بتوانند به‌عنوان ضابط دادگستری انجام وظیفه نمایند. بر همین اساس، اداره حقوقی وزارت دادگستری در پی این استعلام که آیا از نیروهای بسیج می‌توان به‌عنوان ضابطین قوه قضائیه استفاده نمود یا نه؟ حسب نظریه شماره ۷/۹۲۹ مورخ ۱۳۶۷/۴/۱۱ اعلام نموده‌است:

«با توجه به تعاریف مقرر در مواد (۳۵ و ۳۶) اساسنامه سپاه پاسداران و هدف و وظایف سپاه پاسداران در مواد یک الی پنج اساسنامه، استفاده از بسیج به‌عنوان ضابط قوه قضائیه خالی از اشکال نمی‌باشد».

این استعلام و پاسخ، قبل از تصویب قانون حمایت قضایی بسیج مصوب یکم دی‌ماه سال ۱۳۷۱ اعلام شده‌است؛ چون در این قسمت، بحث در مورد اساسنامه سپاه پاسداران می‌باشد و نظریه فوق نیز با استنباط و استفاده از این اساسنامه داده شده‌است، بدین لحاظ به آن اشاره شده و این نظریه منافاتی با ضابط بودن نیروهای مقاومت بسیج، طبق قانون حمایت قضایی بسیج ندارد که در مورد آن سخن خواهیم گفت.

مواد (۲، ۳، ۴ و ۵) اساسنامه سپاه پاسداران که در مقام بیان سپاه پاسداران می‌باشد مقرر می‌دارد:

ماده (۲): «مبارزه قانونی با عوامل و جریان‌هایی که در صدد خرابکاری، براندازی نظام جمهوری اسلامی و یا اقدام علیه انقلاب

یک تا پنج اساسنامه، مربوط به نیروهای سپاه پاسداران است و آنچه در نظریه اداره حقوقی مورد نظر بوده است، نیروهای مقاومت بسیج می باشند که یکی از واحدهای سپاه پاسداران هستند. خصوصاً این که در سؤال و جواب، به نیروهای مقاومت بسیج اشاره شده است، نه نیروهای سپاه پاسداران که در زمان اعلام نظر چون هنوز قانون حمایت قضائی بسیج به تصویب نرسیده بود و در مواد (۳۵ و ۳۶) اساسنامه وظایف واحد بسیج مستضعفین را بیان نموده و به ضابط بودن آنها اشاره ای نشده است، نظریه اداره حقوقی با این توجیه صحیح به نظر می رسد. نتیجه گرفته می شود که برای اقدام به اعمالی که در مواد (۲ و ۳ و ۴ و ۵) اساسنامه تصریح شده و در قوانین کیفری به عنوان جرم پیش بینی شده اند، نیروهای سپاه پاسداران اعم از زمینی، هوایی، دریایی و سایر نیروها، به عنوان ضابط دادگستری انجام وظیفه می نمایند و بر این اساس دارای اختیارات و مسؤولیتهای ضابطین دادگستری هستند.

بدیهی است همان طور که در مواد مورد نظر در اساسنامه مسائل به صورت کلی مثل خرابکاری، اقدام به براندازی نظام جمهوری اسلامی و توسل به قوه قهریه برای نفی حاکمیت و... پیش بینی شده است، نیروهای سپاه پاسداران در موارد مهم که کلیت حاکمیت نظام و انقلاب اسلامی مورد تهدید واقع شده باشد و نیز به برخورد قاطع و نیرو و قدرت بیشتری نیاز باشد، اقدام خواهند نمود و این امر نفی کننده صلاحیت نیروهای انتظامی در اقدام به جرایم عادی که در این راستا وقوع می یابد، نخواهد بود.

۲- قانون حمایت قضائی از بسیج:

وظایف نیروهای مقاومت بسیج در مواد (۳۵ و ۳۶) اساسنامه سپاه پاسداران پیش بینی



محل و نگهداری سلاح

غیرمجاز طبق قانون تشدید

مجازات مرتکبین قاچاق، جرم

می باشد و رسیدگی به این

جرایم و به تبع آن فلع سلامهای

غیرمجاز از وظایف قوه قضائیه

می باشد که نیروهای سپاه

پاسداران در این مورد نیز

به عنوان ضابط قوه قضائیه

عمل می نمایند



شده است و ضابط بودن جزء این وظایف نیست. با توجه به مشکلاتی که در عمل پیش می آمد از جمله این که، اگر نیروهای مقاومت بسیج که همواره در سطح شهر و روستاها گشت نگهبانی دارند، با وقوع جرایمی برخورد می کردند، قانوناً حق مداخله نداشتند و نمی توانستند نسبت به کشف ادله جرم و دستگیری مجرم و حتی جلوگیری از تداوم جرم اقدام نمایند. برای حل این مشکل، در اول دی ماه ۱۳۷۱، قانون حمایت قضائی بسیج به تصویب رسید که مطابق آن، نیروهای مقاومت صرفاً در جرایم مشهود و در صورت وجود شرایط پیش بینی شده تا حضور نیروهای انتظامی مسئول می توانند به عنوان ضابط به منظور جلوگیری از امحای آثار جرم و فرار متهم و تهیه و ارسال گزارش به

مراجع قضائی اقدام نمایند.

ضابط بودن نیروهای مقاومت بسیج طبق این قانون دارای شرایطی است:

الف) نیروهای مقاومت:

طبق ماده یک این قانون، فقط نیروهای مقاومت بسیج با وجود سایر شرایط، ضابط محسوب می گردند و سایر نیروهای سپاه از شمول این قانون خارج اند.

ب) جرایم مشهود:

ضابط بودن نیروهای مقاومت محدود است به جرایم مشهود، و در جرایم غیر مشهود به هیچ وجه حق مداخله ندارند، اعم از این که شاکی یا متهم از پرسنل سپاه پاسداران باشند یا خیر. حسب ماده (۲۱) قانون آیین دادرسی کیفری مصوب سال ۱۳۷۸، جرم در موارد زیر مشهود است:

- ۱- جرمی که در مرئی و منظر ضابطین دادگستری واقع شده و یا بلافاصله مأمورین یادشده در محل وقوع جرم حضور یافته یا آثار جرم را بلافاصله پس از وقوع، مشاهده کنند.
- ۲- در صورتی که دو نفر یا بیشتر که ناظر جرم بوده اند و یا مجنی علیه بلافاصله پس از وقوع جرم شخص معینی را مرتکب جرم معرفی نماید.
- ۳- بلافاصله پس از وقوع جرم علائم و آثار واضحه یا اسباب و دلایل جرم در تصرف متهم یافت شود یا تعلق اسباب و دلایل یادشده به متهم محرز شود.
- ۴- در صورتی که متهم بلافاصله پس از وقوع جرم قصد فرار داشته یا در حال فرار فوری پس از آن دستگیر شود.
- ۵- در مواردی که صاحبخانه بلافاصله پس از وقوع جرم، ورود مأمورین را به خانه خود تقاضا کند.
- ۶- وقتی که متهم ولگرد باشد.

ج) عدم حضور ضابطین دیگر:

نیروی انتظامی ضابط عام دادگستری محسوب می‌شوند و در صورت حضور آنها، نیروهای مقاومت بسیج صلاحیت اقدام و مداخله به‌عنوان ضابط را ندارند، مگر اینکه نیروی انتظامی در محل حضور نداشته باشد و یا به‌موقع اقدام لازم را به‌عمل نیاورد یا خود نیروی انتظامی از نیروهای مقاومت بسیج اعلام نیاز نماید و مساعدت بطلد که در این دو مورد، نیز نیروی مقاومت بسیج حق مداخله خواهد داشت.

د) آموزش لازم:

تمام نیروهای مقاومت بسیج نمی‌توانند به‌عنوان ضابط قوه قضائیه اقدام نمایند، بلکه طبق تبصره ۳ ماده یک قانون حمایت قضائی بسیج، باید ضرورتاً آموزش لازم را در زمینه وظایف و مسؤلیتهای ضابطین دادگستری دیده باشند تا بتوانند در صورت وجود سایر شرایط، به‌عنوان ضابط اقدام نمایند.

با توجه به اهمیت وظایف ضابطین و برخورد مستقیم آنها با مردم و نیز ضرورت سرعت و دقت و تخصص در جمع‌آوری دلایل جرم، مسئله آموزش ضابطین از اهمیت خاصی برخوردار است.

ه) داشتن مجوز:

علاوه بر دیدن آموزشهای مورد نیاز، افرادی می‌توانند به‌عنوان ضابط قوه قضائیه ایفای وظیفه نمایند که از مسؤلین نیروی مقاومت بسیج محل موردنظر مجوز لازم داشته باشند. لذا صرف دیدن آموزش و عضویت در نیروهای مقاومت بسیج برای ضابط بودن کافی نیست، بلکه برای اینکه نیروی موردنظر صلاحیت ضابط بودن را دارا باشد باید پس از احراز شرایط لازم و دیدن آموزش، برای پرسنل مجوز صادر شود. در صورتی که متهم از نیروهای مقاومت مجوز

مطالبه نماید مکلف به ارائه آن هستند.

نتیجه گیری:

مهمترین افتخار ما این است که وضع کامل‌ترین قوانین از دستاوردهای دین مبین اسلام است. قانونگرایی و قانونمندی از مسائلی هستند که همواره مورد توجه رهبر معظم انقلاب و دیگر مسؤلین نظام جمهوری اسلامی می‌باشند. در ماده یک اساسنامه سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، کوشش مستمر جهت گسترش حاکمیت قانون خدا طبق قوانین جمهوری اسلامی ایران یکی از مهم‌ترین اهداف تشکیل این نیرو اعلام شده است. از آنجایی که سعادت و عدالت در سایه قانون، قابل تحقق است، هدف همگان، اعم از قضات دادگستری و پرسنل سپاه پاسداران، قانونمندی و تحقق آن است.

**نیروهای سپاه پاسداران در****موارد مهم که کلیت حاکمیت****نظام و انقلاب اسلامی مورد****تهدید واقع شده باشد و نیز به****برفورد قاطع و نیرو و قدرت****بیشتری نیاز باشد. اقدام****خواهد نمود و این امر****نفی‌کننده صلاحیت نیروهای****انتظامی در اقدام به جرایم****عادی که در این راستا وقوع****می‌یابد، نخواهد بود**

بر اساس قوانین موجود، نیروهای سپاه پاسداران جهت اقدام به جرایم پیش‌بینی شده در مواد دو تا پنج اساسنامه سپاه و آن نیز در حد کلان و برای برخورد با تهدیدهای جدی و مهم به‌عنوان ضابط قوه قضائیه اقدام می‌نمایند و نیروهای مقاومت بسیج نیز در جرایم مشهود و در صورت عدم حضور نیروی انتظامی و یا عدم اقدام آنها و یا اعلام نیاز و نیز در صورت دیدن آموزش‌های لازم و داشتن مجوز قانونی، ضابط محسوب می‌شوند و جلالیت اقدام جهت جمع‌آوری دلایل جرم و جلوگیری از امحای آثار جرم و دستگیری مجرمین را دارند. این نیروها در این موارد دارای اختیارات و مسؤلیتهای ضابطین دادگستری می‌باشند. این امر تفاوتی ندارد که شاکی یا متهم از پرسنل مقاومت بسیج و یا سپاه پاسداران باشد یا سایر افراد عادی. نیروهای بسیج در مقام ضابط صرفاً در صورت وجود شرایط مذکور می‌توانند به جرایم یا شکایات پرسنل سپاه پاسداران و بسیج اقدام نمایند و در سایر موارد، ضابطین عام دادگستری؛ یعنی نیروهای انتظامی و در موارد خاص، ضابطین خاص حسب مورد صلاحیت اقدام خواهند داشت، یعنی مرجع خاصی برای رسیدگی به شکایات یا جرایم عمومی پرسنل این نیرو وجود ندارد.

پی نوشت:

- ۱- آخوندی (محمود) - آیین دادرسی کیفری، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، چاپ اول زمستان سال ۱۳۶۸، جلد دوم.
- ۲- جعفری لنگرودی (محمد جعفر)، ترمینولوژی حقوق، انتشارات گنج‌دانش، خرداد سال ۱۳۶۴.
- ۳- ستوده جهرمی (سروش) شهری (غلامرضا)، نظریات اداره حقوقی قوه قضائیه در زمینه مسائل کیفری از سال ۱۳۵۸ تا سال ۱۳۷۱، انتشارات روزنامه رسمی، جلد اول.
- ۴- مهابادی (علی اصغر)، مقاله «ضابطین دادگستری چه کسانی هستند»، نشریه داخلی کانون وکلا، سال پنجم، شماره بیستم اسفند سال ۱۳۷۵.